

احیای ۲هزار واحد تولیدی

در کشور

روزنه امید برای

شروعی دوباره

شاید ما کم می گذاریم و این خبرها را درست به گوش شما نمی‌رسانیم، وگرنه خبر احیای ۲هزار و ۲۰۰ واحد تولیدی تعطیل‌شده‌یاور شکسته‌در یک سال گذشته، را باید در بوق و کرنا کنیم که حتما این کار را امروز به شما چشم‌روشنی می‌دهیم.
آهای مردم ایران که شما را با خبرهای تلخ و ناامیدکننده محاصره کرده‌اند! بیایید دست‌به‌دست هم بدهیم و گوش خودمان را از هجوم اخبار مایوس‌کننده از آب و خاکمان نجات دهیم و دلمان را بگذاریم پیش دل پدرها و سرپرستان خانواده کارگران ۲هزار و ۲۰۰ واحد تولیدی که از یک سال گذشته تا امروز یکی یکی

به سر کار برگشته‌اند و در پی روزی حلال هستند. حالا کارگران شب‌ها سرشان را راحت بر بالین می‌گذارند و اول یا آخر ماه، پیامک واریز حقوق، لبخند روی لب خانواده‌ها می‌نشانند؛ با همین تصویر حتما خنده روی لب‌های شما هم می‌نشیند.
همین‌طور سرانگشتی هم که بخوایم حساب کنیم، تعداد خانواده‌هایی که امید به زندگی‌شان بازگشته بیشتر از ۱۰۰ هزار خانواده است. خبر احیای این ۲هزار واحد تولیدی را معاون وزیر صنعت و معدن و مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران گفته است و خداقوت می‌گوییم به مسئولانی که حرف‌هایشان روی کاغذ نمی‌ماند.



آن‌ها که زیر یک سقف ماندند

مشاوره‌های سازمان بهزیستی کمک کرده است که همراه بیش از ۲۰درصد متقاضیان طلاق به زندگی مشترک بازگردند



گزارش روز

اختلاف سلیقه‌ها که ریشه بدهد و فکر جدایی که ذهن را پُر کند، شبیه خوره‌ای است که تا جان را نگیرد، دست‌بردار نیست. رنج ماندن در خانه‌ای که دلت با آن نیست، سخت است؛ چیزی شبیه نفس کشیدن در خلأ. وقتی هر سال هزاران مهر طلاق در شناسنامه‌هائیت می‌شود، جایی باید مقابل این هجوم سیل آسا را گرفت. البته که جایش باید پیش از رسیدن پای همسران و کودک آن‌ها در راه‌رو دآگاه باشد؛ جایی که بنشینند و بدون قضاوت، از دلخوری‌هایشان بگویند؛ به عبارتی همان جلسات مشاوره خانواده. همان چیزی که به‌خاطر هزینه‌ها، همیشه نادیده‌گرفته‌می‌شود تا کار بیخ پیدا کند، چون میان‌خرج‌های زندگی کم می‌شود. اما اگر شرایط مهیا باشد، یا هزینه‌ها خیلی کمتر باشد چه؟ آن‌وقت زن و شوهر حتما یک فرصت کوتاه دیگر به هم خواهند بخشید. این فرصت همین حالا وجود دارد در فضایی به نام «تصمیم» که حتی زن و شوهرهایی که خواهان طلاق توافقی هستند، باید در آن، پنج جلسه مشاوره بگیرند، شاید جزو آمار یک پنجم‌سازش کرده باشند و به‌خانه بازگردند.

در اسباب‌کشی کمکشان کرده‌اند و بی‌گناه‌ها را کمک‌های مالی می‌کنند.

رفتیم تا تمام‌شود
روشنک مشهدی نیست. سفرهای هرسال به مشهد و دیدار فامیل، بانی ازدواج‌شان شد، آن هم در بیست و هشت سالگی‌اش. اگرچه همان ابتدا برای زندگی در مشهد توافق کرده بودند. از روزی که باهم ازدواج کردند، بزرگ‌ترین اختلاف‌شان همین بود. روشنک به هر بهانه کوچکی بار سفر می‌بست و راهی شیراز می‌شد و همین درگیری‌ها روز به روز شدت اختلافات را بیشتر کرد. محمود، همسرش، می‌گوید: هرکاری می‌کردم، راضی نبود. مدام از غربت و تنهایی‌گایه می‌کرد، جوری که هرروز وقتی از محل کار برمی‌گشتم، باید به‌غولندهایش پاسخ می‌دادم. انگار رفته‌بودم تفریح‌واو را در خانه زندانی کرده‌بودم! راضی به بیچه‌دار شدن هم نمی‌شد، می‌گفت نمی‌توانم در تنهایی بیچه‌بزرگ کنم. از شهر شکایت داشت، از اینکه دوستی ندارد و هزار چیز دیگر.

همه این‌ها در طول چهارسال زندگی مشترکشان باعث شد که دعواها آن قدر بالا بگیرد که به فکر طلاق بیفتند، «گفتم اگر دوری از مادر و پدرت آن قدر آزارت می‌دهد، بیا طلاق بگیریم. تو برو شهر خودت و تا باید با آن‌ها زندگی کن.» هیچ‌کس باورش نمی‌شد این دلیل برای جدایی کافی باشد. «محمود ادامه می‌دهد، هرچه این وان‌نصیحت کردند، فایده نداشت. خودم هم از وضعیت زندگی‌ام خسته شده‌بودم. رفتم دنبال کارهای طلاق. اما پنج جلسه مشاوره با روان‌شناس مانع بود. اولش گفتیم چند جلسه می‌رویم و تمام می‌شود اما به این راحتی نبود. وقتی در آن مشاوره‌ها متوجه برخی مشکلات روحی و عاطفی در روشنک شدم، خودم خوش‌مرد شد، هم من. تصمیم گرفتیم ادامه بدهیم. خلاصه‌اش را این‌طور جمع می‌کند که پرونده طلاقشان منتهی‌شد اما جلسات درمان را ادامه دادند. محمود هم شبیه بسیاری از مردان پیش از این، اعتقادی به روان‌شناس نداشت اما حالا پیگیر جلسات درمان است، چون سرنوشتش را تغییر داد.



را حل می‌کرد. کاش همه آن‌ها که تصمیم به طلاق گرفته‌اند، یک فرصت دوباره به خودشان بدهند، شاید درد، درمان‌شدنی باشد.
● سازش مشهودی‌ها، چند درصد بیشتر از میانگین کشوری
آمارشان کم نیست. اما متغیر است، از ماهی کمتر از هزار نفر تا نزدیک به ۲هزار نفر، زن و شوهرهایی که خواهان طلاق هستند و برای گرفتن مشاوره وارد سامانه تصمیم‌شده‌اند. سامانه را باید در نشانی zaman.behzisti.net جست‌وجو کنند، این سامانه از سال ۹۴ به صورت آزمایشی در مشهد آغاز به‌کار کرد و به تدریج در شهرستان‌های مختلف استان گسترش یافت و بعد هم کشوری شد. حالا همه ۳۲ شهرستان استان از طریق این مشاوره‌ها به‌کاهش طلاق کمک می‌کنند. متولیان‌ش بر اساس آمارهای سامانه می‌گویند که بازگشته‌ها به زندگی مشترک از میان مراجعه‌کنندگان، بیست وچند درصد است، یعنی یک پنجم متقاضیان و این عدد فقط به مدد برگزاری پنج جلسه مشاوره، کم نیست.

دکتر حسن حاجی‌پور، مسئول برنامه پیشگیری و کاهش طلاق بهزیستی استان، برای توضیح مسیر کارشان توضیح می‌دهد: هر فردی که متقاضی طلاق است، اول باید وارد سامانه تصمیم‌شود. نوبت بگیرد و از میان‌سی‌مرکز مشاوره که در شهر پراکنده هستند، یکی را برگزیند و برای گذراندن جلسات مشاوره به‌آن مراجعه کند. از آن سو، پرونده‌ای در مرکز مشاوره یا کلینیک مددکاری تشکیل می‌شود که تا زمان انصراف فرد یا ارجاع به مراحل بعدی و ادامه روند طلاق، باز است.

بر اساس آمارهای وی به‌طور متوسط همراه حدود ۱۵۰۰ نفر در بیست مرکز مشاوره و ۱۰ کلینیک مددکاری منتخب و آموزش‌دیده پذیرش می‌شوند. وی به‌عدد میانگین ماهانه ۲۲ تا ۲۴ درصد اشاره می‌کند و می‌گوید: این تعداد از طلاق منصرف‌شده و حدود ۷۸ تا ۷۷ درصد نیز به مراحل بعدی ارجاع می‌شوند. مراجعان ما از سیزده تا چهارده‌ساله تا فرد نود ساله، از توافقی، یک‌طرفه و وکالتی، را شامل می‌شود. آمار زوج‌های سازش‌کرده استان خراسان نسبت به متوسط کشوری که ۱۸ درصد است، بیشتر است.

مسئول برنامه پیشگیری و کاهش طلاق بهزیستی استان، هدف از اجرای این طرح را تنها انصراف از طلاق نمی‌داند و می‌گوید: طلاق آگاهانه، کاهش آسیب‌به‌فرزندان، آگاهی درباره ازدواج مجدد و آموزش مهارت‌های زندگی، از دیگر دلایل لزوم اجرای این طرح است.

● ۴۰درصد متقاضیان طلاق، زنان هستند
حاجی‌پور همچنین ادامه می‌دهد: از میان همه مراجعان ۳۰درصد تمایل به طلاق توافقی دارند، ۶۰درصد زن و ۱۰درصد مرد هستند. به‌گفته‌وی، جلسات مشاوره دست‌کم ۴۵ روز طول می‌کشد و توافقی میان طلاق توافقی یا یک‌طرفه وجود ندارد و برای همه اجباری است. حاجی‌پور ادامه می‌دهد: اگر پس از جلسات مشاوره، فرد متقاضی طلاق منصرف‌شده یا به اصطلاح سازش کرده باشد، پرونده همان‌جا منتهی‌می‌شود، اما اگر اصرار به طلاق داشته‌باشد، در مرحله بعد، به‌دفاتر خدمات قضایی ارجاع می‌شود و مراحل قضایی راطی می‌کند.

وی یادآور می‌شود: هزینه هر جلسه مشاوره در مشهد ۸۰هزار تومان و مصوب شورای مشورتی استان شامل اداره کل بهزیستی استان و دادگستری است، درحالی‌که این رقم خیلی بیشتر است. درعین‌حال هزینه برای متقاضیان تحت پوشش بهزیستی و کمیته امداد و همچنین افرادی بی‌بضاعت، رایگان است. براین‌مبنא حدود ۱۵ درصد متقاضیان همراه هیچ هزینه‌ای نمی‌پردازند.

نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد درعین‌حال که تعداد متقاضیان طلاق از همه مناطق شهر است، شهروندان حاشیه‌شهر کمی بیشتر هستند. سه دلیل مهم و اول طلاق نیز اعتیاد، روابط فزائناشویی و مشکلات مالی تشخیص داده‌شده است، دلایل مهمی برای لزوم قانونی‌شدن مشاوره پیش‌از ازدواج که به ازدواج آگاهانه و افزایش رضایت از زندگی مشترک کمک می‌کند.

تیم درمانگر مراکز مشاوره را یک نفر روان‌شناس، یک مددکار و همچنین کارشناس حقوقی و مذهبی همراهی می‌کند که میزان عملکرد آنان با نظارت‌های مداوم هفتگی و ماهانه بازرسی و سنجیده می‌شود.

چشم‌تان روشن

خبرهایی را که حال دلمان را خوب می‌کند برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی‌ها، آدمیزاد به امید زنده‌است. برای امیدواری بهانه‌که هیچ، دلیل‌ها هم فراوان‌اند. می‌گویید نه؟ کافی است هر روز به چشم‌تان روشن، سری بزنید و به‌خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده‌ایم، نگاهی بیندازید. کوچکیابزرگ، فرقی نمی‌کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، بامادر میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را باهم‌شهریانتان به‌اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی‌مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۴ پیامک بدهید تا ما در کوتاه‌ترین زمان باشما تماس بگیریم و چشم مردم را به‌خبر خوش‌تان روشن کنیم.

یادداشت

شبکه‌های اجتماعی یا ضد اجتماعی؟!

تناقضی که ناخواسته به آن دچار می‌شویم



آن قدر سریع و پیوسته اتفاق افتاده‌که ظاهراً متوجه آن نشدیم. به روایت آمارهای رسمی، ۶۰درصد جمعیت جهان و بیش از ۷۵درصد جمعیت بالای سیزده سال از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. تا اینجا کار نباید مشکلی باشد. به‌رحال گسترش ابزارهای ارتباطی، امکانات بیشتری را در اختیار افراد می‌گذارد. قرار بود این فناوری، دوری‌ها را کمتر کند و فاصله جغرافیایی افراد از هم را کم‌رنگ‌تر، اما پس از ظهور انواع و اقسام شبکه‌های پررنگ و لعاب اجتماعی و افزایش هرروزه امکانات نرم‌افزارهای آن‌ها، تصویری که امروزه با آن مواجه‌ایم، مجموعه‌ای از انسان‌هاست که با وجود بودن در کنار هم، تنهایند، به‌گونه‌ای که تماس آن‌ها با پیرامون خود به‌صفحه گوشی همراه محدود شده‌است و ارتباط حسی خود با جهان واقعی را از دست داده‌اند، تا جایی که گویی این شبکه‌ها علیه هدف اولیه خود به‌کار گرفته شده‌اند!

● چشم‌ان بسته‌دوما
دیدن جهان از پنجره گوشی همراه، گاهی ذهن افراد را ناخودآگاه به پذیرش مقلدانه آرا و نظرات می‌کشاند. در عصری که همه چیز، از اخبار و رویدادهای روز گرفته تا سرگرمی و... از طریق شبکه‌های اجتماعی توزیع و تکثیر می‌شود و ذهنیت غالب افراد را شکل می‌دهد، مجال برای درک حقیقی و آگاهانه موضوعات باقی نمی‌ماند؛ ذهن افراد، ناخودآگاه به‌کنشجویی از تصورات دسته‌چندم از جهان بدل می‌شود و سایه‌ای مبهم از حقیقت را نصیب چشم‌ان ما می‌کند، سایه‌ای که بسیاری اوقات با الوهام و تصاویر غیرواقعی آمیخته است.

● ساعت شنی متوقف نمی‌شود

ترفند اصلی شبکه‌های اجتماعی برای جذب مخاطب «در دسترس قرار دادن، همه آن چیزهایی است که می‌تواند افراد را به‌خود مشغول کند، چیزهایی که شاید در حالت عادی حتی حاضر نباشید زحمت جست‌وجو در اینترنت درباره آن‌ها را به‌خود بدهید، اما خیلی اوقات به‌خودتان می‌آید و می‌بینید که ساعت‌ها از وقتتان را صرف دیدن محتوایی کرده‌اید که نه نیازی به آن‌ها داشته‌اند و نه برنامه‌ای برای دستیابی‌و جوی آن. این درحالی است که در طول شبانه‌روز، پس از کم‌کردن خواب و استراحت، کار و مشغله‌های روزمره و سایر امور، وقت آزاد اندکی باقی می‌ماند.

● در سیخ‌ر شبکه‌های اجتماعی

نمونه‌ای از این پدیده، موقعیت متناقض و عجیبی است که بارها و بارها شاهد آن بوده‌ایم و هستیم، دورهمی‌ها و مهمانی‌های خانوادگی و دوستانه که در آن‌ها افراد دور هم نشسته‌اند ولی هرکدام غرق در گوشی همراه و در حال ورق‌زدن صفحات شبکه‌های اجتماعی خود هستند، چنان‌که جامعه حقیقی را در برابر جامعه مجازی فراموش کرده‌اند. طبق آخرین آمار مرکز رصد فرهنگی کشور که از قول امیر محمدزاده لاجوردی، عضو هیئت مدیره شرکت ارتباطات زیرساخت کشور، نقل شده است، ۵۶درصد ترافیک اینترنت در ایران به اینستاگرام اختصاص دارد، به‌عبارت دیگر بیش از نیمی از کل حجم ارتباطات اینترنتی کشور، در این شبکه اجتماعی پرکاربرد می‌گذرد. این نسبت آن قدر بزرگ است که ارزش داشته‌باشد جدی‌تر به اثرات آن نگاه کنیم و حتی در نحوه به‌کارگیری این فناوری یک بازنگری اساسی را مدنظر قرار دهیم، اما در همین اثنا که در شبکه‌های اجتماعی غرق شده‌ایم، چه اتفاقی می‌افتد؟

● شکافی که هر روز عمیق‌تر می‌شود

فراموش نکنیم که پدران و مادران میان سال یا سالمند، برخلاف جوان‌ها عموماً چندان در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی غرق نشده‌اند و جریان زندگی برای آن‌ها به همان شکل سابق است، دیدارها و گفت‌وگوها در فضای حقیقی دل‌چسب‌تر است و فضای مجازی نه جذابیت چندانی برای آن‌ها دارد و نه در استفاده از آن تبحری دارند.

این درحالی است که اکنون بسیاری از افراد که زندگی مستقلی از والدین خود دارند، احوال‌پرسی از آن‌ها را به‌گپ و گفتی در فضای مجازی خلاصه کرده‌اند یا حتی هنگام دیدار حضوری بیش از آنکه پای حرف‌های عزیزان خود باشند و دل به‌دل آن‌ها دهند، حواسشان به صفحه‌گوشی است؛ این یعنی آنکه شکافی اتفاق افتاده است که هر روز فاصله‌ها را بیشتر می‌کند. پادمان نرود که این موضوع نه تنها در ارتباط میان نسل‌های مختلف نمایان می‌شود، بلکه با محدود شدن ارتباطات نسل جوان به فضای مجازی، بخشی از رشد شخصیتی و اجتماعی آن‌ها که نیازمند تعامل حقیقی باهم‌سالان است، دچار خلل می‌شود، به‌طوری‌که مطابق آمار بین‌المللی، حدود دوساعت و نیم از وقت افراد در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرد و چنان‌که می‌دانیم، این میزان در بسیاری موارد به‌ویژه در نسل جوان، بیشتر است. شبکه‌های اجتماعی رانمی‌توان نفی کرد و از کارکردهای مؤثر آن چشم‌پوشید اما آن هنگام‌که عنان زمان را به‌دست آن بسپریم و بی هیچ چهارچوبی در آن غوطه‌ور شویم، هویتی متضاد بانام خود می‌یابد که تنها یکی از عوارض آن، تضعیف بُعد اجتماعی انسان است.